

## به نام خداوند بخشنده و مهربان

### پیشگفتار

ستایش ویژه ی خداوندي مي باشد که انسان هاي نگران را امان مي بخشد و نیکوکاران را نجات مي دهد و ستمديدگان را برتري مي بخشد و ستمگران را به پايين مي افکند و فرمانروايان را نابود و گروهی دیگر را جانشين آن ها مي سازد . و درود و سلام بر سرور پيامبران و فرستادگان محمد و خاندان پاکيزه و پاک نهاد او باد .

ترديدي نيست خطي که خاتم پيامبران ، حضرت پيامبر اکرم ( ) ترسيم کرد و در طول عمر خویش آن را آشکار ساخت بسيار گرانبها و ارزشمند بود و پس از رحلت ايشان ادامه نيافت و اهداف حضرت تحقق نيافت و سبب آن ، سهل انگاري در تبليغ دين نبود . چگونه چنين باشد در حالي که خداوند سبحان به پيامبر خویش فرمود : ( اي پيامبر ) نزديک است اگر مردم ايمان نياورند جان خودت را از شدت ناراحتي از دست بدهي.<sup>1</sup> ولي براي برگرداندن مردم و بيان اين که فرمانروايان در دين تصرفي نخواهند داشت قرآن کریم چنين خبر داده است : اگر پيامبر بميرد يا به شهادت برسد آیا دوباره به دوران جاهليت بر مي گرديد؟<sup>2</sup>

پس دين از مسير واقعي خود که صراط مستقيم باشد منحرف شد . اسلام ناب محمدي که در اندیشه رساندن مردم به خوشبختي جاودانه بود به اسلام اموي تبديل گشت که مي خواست مردم را به دوران گذشته و گردابي از تباهي ها برگرداند که راهي براي رهايي از آن گرفتاري ها وجود نداشت پس رسيد به آن چه امروزه هست که هيچ سودي ندارد مگر براي خوار شدن در برابر ستمگران سرکش و دستور دادن براي انجام کارهاي شيطاني، مگر گروهی اندک که به پيمان با خداوند وفا کردند ، به خلاف سختي هاي که پشت را مي شکند و گرفتاري هاي که شكيبائي را نابود مي کند ، پس حقيقت و صبر اختيار کردند و به آن دو ويژگي سفارش کردند ، اين ها مومنين واقعي هستند که زيانکار نشده و صادقانه به حضرت فاطمه ( ) و همسرش ( ) . آن هايي که خداوند، ناپاکی را از آن ها دور و کاملاً پاکيزه گردانيد .

**ولي آیا زمین تا پايان همین طور باقي خواهد ماند ؟**

چگونه چنين خواهد بود در حالي که خداوند به بندگان ستم ديده خویش وعده داده است ، آن جايي که فرمود : و اراده کرده ايم بر مستضعفان زمين منت بگذاريم و آنها را پيشوايان مردم قرار دهيم

و وارث حکومت فرعونیان گردانیم و در زمین به ایشان توانایی بدهیم و به فرعون و هامان و سپاهیان نشان دهیم آن چه را که بر آن هراسان بودند.<sup>1</sup> و به یقین پس از تورات در زبور داوود نوشتیم: حتماً بندگان شایسته من وارث زمین خواهند شد.<sup>2</sup>

پس موعودی هست تا مردم را از ستم کشتی نجات دهد و خداوند به وسیله ی او، زمین را از انصاف و دادگری پرخواهد کرد همچنان که از ستم و بیداد پر شده است، و برای هر کدام از ( ) نقش ویژه‌ای در مقدمه سازی برای ظهور آن مصلح جهانی وجود دارد.

از آن جایی که برپایی حکومت مهدی – روحی لثراب مقدمه الفداء – کارهای فراوانی از جنبه ی تئوری و عملی می خواهد به همین دلیل می بینیم دوره های زندگی امامان ما گوناگون بوده است. هرکدام زمین را از جنبه ای ویژه آماده می ساخت و این به آن معنا نمی باشد که زمان و مکان و اوضاع شرایط هیچ نقشی در آن دوره نداشته باشند بلکه دارای نقش و تاثیر بودند ولی آن حواشی، تغییری در استراتژی آنها ایجاد نمی ساخت بلکه در نقشه و تاکتیک ایشان تاثیر داشت.

( ) با مهاجرت تاریخی دردناک و تحمل سختی ها و فشارهای روحی و جسمی توانست بنیانگذار مکتب خراسانی ها شود که دارای نقش فراوانی در پیروزی لشکر امام مهدی ( ) خواهند بود و در این اندیشه بود که مردم کره ی زمین را به طور عملی به آن دولت مبارک توجه دهد که از آن سخن گفت هنگامی که در نیشابور، دعبل خزاعی با حضرت دیدار کرد و قصیده ی تائیه خود را خواند تا آن بیت که گفت:

قیام امام بدون تردید انجام خواهد شد – به نام خدا و نعمت های خدا داد قیام می کند .  
هر حق و باطلی را در میان ما تشخیص می دهد – و پاداش نعمت ها و کینه توزی ها را می دهد .

1

( ) بسیار گریست، سپس سر خویش بالا آورد و فرمود:

زبان تو دمیده است که این دو بیت را سرودی، پس آیا می دانی این امام کیست و چه موقع قیام

(دعبل گوید): ! تنها شنیده ام امامی از شما قیام می کند که زمین را از فساد پاک

و به این ترتیب امامان دیگر ( ) هرکدام دیدگاهی داشتند که در نهایت به هدفی می پرداختند که

برای آن هدف ، پیامبران برانگیخته شدند و دین وضع گردید و این هدفی است که جز با ظهور امام دوازدهم مهدی منتظر – خداوند ظهور ایشان را نزدیک گرداند – تحقق نمی یابد .  
و اما امام حسین ( ) در این میان به سبب ایجاد روحیه خونخواهی که شعار حقیقی مهدی امت ( ) هست برتری دارد و این جنبه ی روحی ، نقش اصلی را در نهضت ایشان و در قیام بزرگش برضد لشکر سفیانی ایفا می کند که خط گمراهی و باطل را در طول تاریخ اسلامی نشان می دهد .

ولی خداوند بizar است از این که کارها ، جز از طریق وسایل آن انجام شود پس مردم نقش فعالی در برپاداشتن و گسترش نهضت سیدالشهداء ( ) را دارند و این کار به وسیله ی زنده نگهداشتن عاشورا و گریه و سوگواری و شرکت کردن در راهپیمایی های بزرگ و حضور در کاروان های حسینی انجام می شود، انقلابی اسلامی که به وسیله ی امام روح الله موسوی خمینی –  
نفسه الزکیه – آغاز شد بزرگ ترین نقش و بیش ترین تاثیر را در گرامیداشت عاشورا و نورانی ساختن حرکت سیدالشهداء و بالا بردن از پایه ای نظری به شکلی عملی ایجاد کرد که با سرکوبی ستمگران با اسلحه و ریختن خون همراه بود به گونه ای که هزاران شهید بر زمین افتادند که همگی می گفتند :

!

این کتاب برای بازگو ساختن هدف نهضت مبارک حسینی و پیوند این نهضت با قیام امام مهدی از فرزندان حسین علیه السلام – و نیز نقش امام راحل در گرامیداشت و استوار ساختن نهضت حسینی و پیوند آن با حرکت مهدوی می باشد .  
از خداوند سبحان می خواهم این نوشتار را از من بپذیرد؛ پس جز خشنودی او و خشنودی اهل بیت عصمت و طهارت هیچ چیز نمی خواهم .

ابراهیم انصاری بحرانی

مکه مکرمه

6 فوریه 2003 / 5 ذیحجه 1423

پيوند استوار ميان نهضت حسيني

و قيام مهدي

و نقش امام خميني ( )

تقويت اين پيوند

## انجام وظیفه

هنگامی که در نهضت اسلامی مبارکی که به وسیله ی سیدالشهداء و سرور آزادگان امام حسین ( ) انجام شد اندیشه می کنیم به این نتیجه می رسیم که حضرت ( ) در سایه ی انقلاب عاشورا به چیزی جز انجام وظیفه الهی نمی نگریست که تنها شامل یک چیز می شد و آن هم به دست آوردن خشنودی خداوند متعال بود و به همین دلیل رویداد عاشورا ، قداستی بی نظیر پیدا کرد ، و این از ویژگی های هر کار خداپسندانه ای است که تنها برای خداوند متعال باشد .

امام خمینی قدس سره فرمود : همه ی ما مامور هستیم تا به تکلیف عمل کنیم و مامور به گرفتن نتیجه نیستیم.

درباره ی راز این نکته که ضربه ی علی ( )

:

ارزش کارها به عشق و دوستی خداوند متعال و یا به فناي در راه خداوند و توحیدی برمی گردد که در انسان عاشق جای دارد و خود را نشان می دهد و این عشق الهی بود که به این ضربت اهمیت بخشید ، به گونه ای که برتر از عبادت جن و انسان می شود . دیگر این ضربه را برای دفاع از اسلام می زد ولی از سر عشق نباشد و در عمل آن ضربه به حفظ اسلام و گسترش آن بینجامد ولی چون عاشقانه نبوده مطمئناً آن ضربه ، برتر از عبادت جن و انسان نمی شد ، پس بریدن دست و کشتن کافر ، ارزش معنوی ندارد بلکه ارزش معنوی به نیت و عشق به خداوند سبحان است .

با توجه به این اصل عقیدتی و همچنین هنگام بررسی در سخنان سیدالشهداء و سخنان همه آن هایی که از واقعه ی کربلاء خبر داده اند از پیامبران ( ) و پیامبر اسلام ( ) و امیرالمومنین ( ) به این نتیجه می رسیم که : در کربلا ، وظیفه ای الهی و مخصوص برگردن امام حسین ( ) بود که برای اولیاء و پیامبران دیگر ، انجام این تکلیف امکان پذیر نبود به خاطر ویژگی های شخصیتی حضرت ( ) و همچنین به سبب دوره ای که در آن زندگی می کرد .

## خواب صادقانه:

روایتی طولانی از محمدبن حنفیه پیرامون خوابی که امام حسین ( ) دیده است نقل گردیده که امام حسین ( ) پدر بزرگش ، پیامبر خدا ( ) را در خواب دید که به امام می فرماید:

اي حسين ! ( از مکه ) بيرون برو : همانا خداوند خواسته است تو را شهيد ببيند .  
محمدبن حنفيه گويد : به امام گفتم : ما همه از خدائيم و به سوي او برمي گرديم ، ا پس چرا اين  
خانم ها را با خودت همراه مي بري در حالي که اين گونه مي خواهي بيرون بروي ؟ حضرت  
( ) به من گفت : همانا خداوند خواسته است که آن خانم ها را گرفتار و در بند ببيند .<sup>2</sup>  
و در روايت مرحوم شيخ مفيد آمده است که امام ( ) : من پيامبر خدا ( )  
ديدم و به من دستوري داد که آن را ناپسند مي داشتم ! به حضرت گفتند : آن خواب چيست ؟  
: آن را به هيچکس نگفتم و به هيچکس نخواهم گفت تا پروردگار عزوجل خودم را  
ديدار کنم .<sup>3</sup>

## سبب قیام امام حسین ( )

1- آیا این خواب ، همان دلیل اساسی برای رفتن امام ( ) به کربلا بود؟ و آیا ارزش خواب امام همان جایگاهی را دارد که پیامبران و اوصیاء پیوسته گفته بودند ؛ دستوراتی که خداوند سبحان می دهد وحی الهی است و باید از آن پیروی کرد اگرچه در خواب باشد .

2- یا این که امام حسین ( ) هنگام زندگی با پیامبر خدا ( ) ، پیشگویی هایی از پیامبر شنیده بود ، و می دانست به زودی در سرزمینی معین و در زمانی مشخص شهید خواهد شد ، و همه ی ویژگی های آن واقعه را می شناخت و خواب چیزی جز تاکید و قوت قلب برای آگاهی از پیشگویی های پیشین نبود ؟

و در تایید این احتمال ، احادیث فراوانی از پیامبر ( ) آمده است که مربوط به شهادت حسین ( ) می باشد و به طور مستقل در آن از سال شهادت ، چگونگی شهادت حضرت و گروهی که برای کشتن حضرت آمدند و محل شهادت حضرت سخن گفته شده است .

درباره سال شهادت امام از پیامبر ( ) روایت شده است که حضرت فرمود : حسین بن علی در آغاز سال شصت هجری به شهادت خواهد رسید .

و درباره چگونگی شهادت امام ، پیامبر ( ) :  
پسرم حسین با شمشیر کشته خواهد شد .

و اما درباره گروهی که به جنگ حضرت می آیند پیامبر خدا ( ) :  
حسین را بدترین مردم به شهادت می رساند و از فرزندان حسین دوری می گزیند هر که به من کافر باشد ، یزید! خداوند به یزید برکت ندهد .

سپس دیدگان حضرت پر از اشک شد .<sup>1</sup> :  
خبر شهادت حسین به من داده شد و تربت او برای من آورده شد و از کشته اش به من خبر دادند .

و اما احادیث پیرامون محل شهادت حضرت فراوان است که برخی از آنها را می آوریم :

- حسین در زمین بابل شهید می شود .<sup>1</sup>
- ( : ) همانا این پسرم در زمین عراق شهید می شود ، پس هر که او را درک کرد باید به وی یاری برساند . جبرئیل ( ) نیز این خبر را به من داد که امام حسین ( ) در زمین عراق به شهادت می رسد .
- به یقین حسین در کنار رود فرات شهید می شود که همان زمین کربلا می باشد . این فرزند تو

– و با دست خویش به حسین اشاره فرمود – همراه با گروهی از فرزندان تو و خاندانش و نیکوکارترین مردم از دین تو در کنار رود فرات در سرزمینی که کربلا نام دارد شهید می

• ! تو به سوی عراق خواهی رفت ، و آن جا سرزمینی است که پیامبران و جانشین پیامبران آن جا را دیده اند و آن زمینی است که « خوانده می شود و تو در آن جا به شهادت می رسی و همراه تو گروهی از یاران شهید می گردند .

• در شب معراج مرا از کنار جایگاهی در عراق به نام کربلا عبور دادند ، پس دیدم جایگاهی را که فرزندم حسین و گروهی از فرزندانم و اهل بیتم شهید می شوند ، هنوز باقیمانده ی رد خون آن ها در دست های من هست .

• خوشا به حال تو به خاطر خاکت و خوشا به حال هر که در تو شهید می شود .<sup>2</sup>  
و درباره ی چگونگی شهادت حضرت و گروهی که حضرت را به شهادت خواهند رساند و کیفر

:

• ای عمه ! گروهی ستمکار از بنی امیه او را به شهادت خواهند رساند .

• ای ام سلمه ! هرگاه این خاك ( که نزد تو است ) خونین شد پس بدان که فرزندم شهید شده

• ! می گویم آن چه را پس از من و پس از تو از آزار و ستم و نیرنگ و بیدادگری به او می رسد ، و در آن هنگام گروهی چون ستارگان آسمان ، او را تهدید به قتل می کنند !  
گویا به لشکرگاه و مکان شهادت و تربت آن ها نگاه می کنم .

( ) : ! کجاست جایگاهی که توصیف کردی ؟

: مکانی که کربلا گفته می شود و آن سرای گرفتاری و بلا برای ما و مسلمانان

است ، در آن جا بدترین مردم بر (امام و یارانش )

• ! برجایی که شمشیرها بر تو فرود می آیند بوسه می زنم . :

شهید خواهم شد ؟ حضرت فرمود : به خدا سوگند !

• جبرئیل به سوی من آمد و خبر داد که امت من این فرزندم را شهید خواهند کرد ، و برای من



- به خدا سوگند! فرزندم را خواهند کشت، خداوند، شفاعت مرا شامل آن ها نمی‌کند.
- گویا همراه او هستم در حالی که ریش او از خونش رنگین شده است، دیگران را صدا می‌زند ولی پاسخی به او داده نمی‌شود، و درخواست کمک می‌کند ولی یاری نمی‌شود.
- بلکه ای پسر! ستمگرانه شهید می‌شوی.
- وای بر هر که تو را به شهادت برساند.
- خداوند به پیامبرش ( ) : همانا به خاطر یحیی پسر زکریا هفتاد هزار تن را کشتم و به خاطر نوه‌ی دختری‌ات، یکصد و چهل هزار نفر را خواهم کشت.<sup>1</sup>

### توجهات دیگر برای خروج امام حسین

- و اما توجهات دیگری امام حسین ( ) چه در سخنرانی‌ها یا سخنان و یا دعاها و یا گفتگوهایش آورده است که با دقت و اندیشه در آن ها، می‌توان گفت از سه مورد زیر خالی نیست:
  - ( بیان همان وظیفه الهی ولی به طور غیرمستقیم
  - ( پرداختن به مسائلی مهم تر در آن باره مانند امر به معروف، نهی از منکر، حرکت بر شیوه‌ی زندگی پیامبر خدا و همچنین درخواست شهادت از خداوند سبحان
  - ( به سبب حمایت مردم و پاسخ دادن به درخواست عموم مردم )
- نامه‌ها)

### نوع این تکلیف

- این پرسش بدون پاسخ ماند: چرا این تکلیف ویژه بر سید جوانان اهل بهشت حضرت ابی عبدالله الحسین ( ) رسید که خودش و همه فرزندان و یارانش و وابستگانش به شهادت برسند و زنان و دختران و خواهرش اسیر شده و از شهری به شهری برده شوند!
- آیا این ها در دفتر قضا و قدر خداوند نوشته شده بود؟
- یا این که مردم چون از علی ( ) دوری جسته و از اسلام اصیل منحرف شده و احکام باطل برگزیده بودند سبب شد تا کارشان به این مرحله‌ی خطرناک برسد که این تکلیف برگردن حسین ( ) بیفتد؟
- آیا پس از شهادت امام ( ) تغییری اساسی و ریشه‌ای در اسلام انجام شد و آیا دین محمد ( ) با شهادت حضرت دوباره راست شد چنان که فرمود: اگر دین محمد جز با شهادت من

استوار نمی شود پس ای شمشیرها مرا دریابید .

و آیا این قربانی شدن ها برای حفظ ظاهر احکام اسلام بود که اذانش هیچ محتوایی نداشت و نمازی که نمازگزارش را به سوی خداوند نمی برد ، و روزه ای که سپر از آتش دوزخ همراه آن نبود ، وحی است که برضد شرك قیام نمی کند و احکام آن سپس آمده است ، و انفاقی می باشد که به همراه آن برکتی دیده نمی شوند و خواندن قرآنی هست که به آن عمل نمی شود ؟ یا در این میان مسئله دیگری در پشت پرده ی این شهید شدن ها هست ؟ پس آن هدف اصلی چیست ؟

### آثار و نتایج نهضت حسینی

علاو بر مقام سیدالشهداء ( ) از پیامبر ( ) روایت شده است که به حسین ( ) : همانا برای تو در بهشت در جاتی است که جز با شهادت نمی توانی به آن ها برسی .<sup>1</sup> ولی ما با نگاهی گذرا می توانیم آثار این نهضت بزرگ را در دو بخش خلاصه کنیم :

(

خلاصه ی این آثار را می توان در يك نتیجه خلاصه کرد و آن « آشکار ساختن چهره ی دیگر بنی امیه و آن هایی بود که زمینه ی شهادت امام را فراهم ساختند به طور عام و به شکل خاص و رسوا کردن یزیدبن معاویه ملعون بود .»

و این نتیجه با این که اهمیت فراوانی دارد چیزی از ابعاد مهم این قیام مبارک را تشکیل نمی دهد و تناسبی با جنایاتی که در کربلا درباره ی سید جوانان بهشت و گل خوشبوی پیامبر خدا ( ) حسین ( ) .

این نکته از میان امور فراوانی معلوم می شود که به مهم ترین آن ها اشاره می گردد :

: سخنرانی ها و سخنان امام حسین ( ) و یاران نیکوکارش و موضعگراییهای سرنوشت ساز .

• امام در وصیت نامه ی خویش به برادرش محمدبن حنفیه می فرماید :

... من برای شرارت و فساد قیام نکردم و مفسد و ستمگر نیستم و برای درخواست اصلاحات درباره ی پیروان جدم ( ) قیام کردم . می خواهم که امر به معروف و نهی از منکر انجام دهم و به روش پدر بزرگم و پدرم علی بن ابی طالب ( ) گام بردارم ، پس هر که مرا باور کند حقیقت را قبول کرده است و خداوند سزاوارتر به حق می باشد ، و هر که مرا باور نداشته باشد صبر می کنم تا خداوند میان من و مردم به حقیقت داوری کند و او بهترین حکم کنندگان است .<sup>1</sup>

- و در نامه به بزرگان کوفه فرمود :

... ! دانستید که پیامبر خدا ( ) هنگام زنده بودن خویش فرمود : هر که فرمانروایی ستمگر را ببیند که حرام خداوند را حلال کرده و پیمان خدا را زیر پا انداخته و با روش پیامبر خدا ، مخالفت ورزیده و درباره ی بندگان خدا ، به گناه و ستم رفتار می کند و گفتار و رفتار خود را تغییر نمی دهد بر خداوند سزاوار است که او را به راه بیاورد .<sup>2</sup>

- ( ) : مرگ با شرافت بهتر از زندگی همراه با خواری می باشد .

روز شهادت، حضرت ( ) چنین فرمود : شهادت بهتر از ننگ سازش با ستمگر است و سازش با ستمگر بهتر از آتش دوزخ می باشد .<sup>1</sup>

- حضرت به یارانش فرمود : می بینید آن چه را که از فرمان الهی انجام شد و دنیا تغییر کرد و چهره عوض نموده و خوبی های شناخته شده ی آن رفت و حرکت کرد تا این که از آن جز اندکی در ته ظرفی باقی نماند زندگی فرومایه همانند چراگاه پژمرده سر رسید ، آیا حق را نمی بینید که به آن عمل نمی شود و باطل که از آن نهی نمی گردد تا اهل ایمان به دیدار خداوند مشتاق نشوند و به خدا سوگند !
- ستمگران را جز بدبختی نمی دانم .<sup>2</sup>

- ... و روایت شده است حضرت درود خداوند بر او باد – هنگامی که خواست به سوی خداوند بخواهد ( ) و جز نیرو و قدرت خداوند نیست و درود خداوند بر پیامبرش . مرگ آمیزاد را فرا گرفته چنان که گردنبنند برگردن دختران آویزان می باشد ، و اشتیاق من به نیاکانم همانند اشتیاق یعقوب به یوسف هست و بهترین چیز برای من جایگاهی است که مرا در بر بگیرد و از این زندگانی بهتر است گویا اندام های خود را مشاهده می کنم که گرگ های بیابان و سگ های گرسنه در سرزمینی میان نوایس و کربلا از یکدیگر میربایند و .... شکمبه های درون شکم خود را از آن پر می سازند و راه گریزی نیست از آن چه نوشته شده است ، خشنودی خداوند ، خشنودی ما اهل بیت است ، بر بلای او صبر می کنیم و پاداش برد باران را به ما می دهد .

گوشت تن پیامبر خدا از او جدا نماند و در جایگاهی که خداوند در بهشت برایش فراهم ساخته

بود جای گرفت و دیدگانش به آن روشن باشد و خداوند وعده ی خوی را درباره اهل بیت به پایان برساند . همه که جان خویش را در راه ما قربانی کند و به دیدار پروردگارش شوق ورزد ، همراه ما حرکت کند که به خواست خدا حرکت بامداد خواهیم کرد

• ... بدانید که لاف زن پسر لاف زن مرا میان شمشیر برهنه و ذلت قرار داده است .

می باشد از او شمشیر برهنه و دور است از من پذیرش ذلت . خداوند و پیامبرش و اهل ایمان این کار را ناپسند می دارند . ما دران پاک و نیاکان پاک نهاد اجازه نمی دهند که پیروی از فرومایگان را بر پیروی از نیکوکاران برتر بدانیم .

ثانیاً سخنرانی های قهرمانانه ی عقیله ی بنی هاشم حضرت زینب کبری و امام زین العابدین و اهل بیت ( ) و دیگر اسیران که از کوفه به شام برده شدند :

( ) و این موضعگیریها در سخنرانی زینب ( ) در میان مردم کوفه است که چند جمله از آن

... بیچاره شدید ، بیچاره شدید و به دوران جاهلیت برگشتید ، به دوران جاهلیت برگشتید ، به یقین زحمات ، برباد داده شده و دست ها ، بریده گردید و در معامله زیان بردید و به خشم خدا گرفتار شدید و به شما خواری و تنگدستی هجوم آورد ، آیا می دانید کار شما با قلب محمد ( ) خاندانش چه کرد؟ پس بریدید و آیا می دانید چه پیمانی را شکستید و چه میهمانان گرانقدری را راه ندادید و چه خونی را ریختید؟ همانا فاجعه ای را مرتکب شدید که نزدیک است آسمان ، به سبب آن شکافته شدند و زمین بشکافتد و کوههای آرام به خروش درآیند ، به یقین برای کمک به با مردی بدون مو ، سیاه چهره ، زشت و کودن که از زمین بالا می رود و آسمان را پر می کند آمدید ، آیا پس شگفت زده شدید که از آسمان خون ببارد و عذاب آخرت ، خوارکننده تر است و آنها پیروز

1.

( ) و همچنین حضرت زینب در شام خطبه ای خواند در ضمن فرمود :

... پس نیرنگ تو را کنار زد و کوشش تو را دور کرد و با تو آشکارا دشمنی نمود ، به خدا ! یاد ما پاک نمی شود و وحی ما نمی میرد و کار ما پایان نمی پذیرد و ننگ کارت از تو شسته نمی شود ، و آیا سخن تو خطایت را ثابت نکرد؟ و روزگارت جز چند روز خواهد بود و حکومت تو بر باد رود روزی که منادی فریاد می زند : بدانید که نفرین خداوند بر ستمگران است

( امام زین العابدین ( ) در میان مردم کوفه فرمود :

... ! شما را به خداوند سوگند می دهم آیا می دانید که شما به پدرم نامه نوشتید و خواستید او را فریب بدهید و از سوی خودتان با او پیمان و عهد و بیعت بستید ولی با او جنگیدید و دست از او کشیدید؟ پس تباه شدید هنگامی که بر او پیشی گرفتید و جز سخن او برگزیدید ، با چه دیدگاهی به پیامبر خدا ( ) نگاه می کنید هرگاه بگویند چرا خاندان مرا کشتید و حرمت مرا زیر پا انداختید پس از امت من نیستید .<sup>2</sup>

( و زین العابدین ( ) در شام چنین فرمود :

... ای پسر معاویه و هند و صخر! پیامبری و امامت برای پدران و نیاکان من پیش از تولد تو بوده است و جدم علی بن ابی طالب در روز نبرد بدر و احد و احزاب در دستش پرچم پیامبر خدا ( ) بود و پدر و جد تو در دستهایشان پرچم های کافران بود ... وای بر تو ای یزید ! می دانستی چه کرده ای و چه جنایتی درباره پدرم و اهل بیتم و برادرم و عموهایم انجام داده ای؟ در این صورت به کوهها فرار می کردی و بر شن ها راه می رفتی و با اندوه و هلاکت نفرین می کردی که سر پدرم حسین بن فاطمه و علی بر فراز دروازه شهر شما بر نیزه باشد در حالی که او امانت پیامبر خدا در میان شما می باشد . پس در آینده خوار و پشیمان خواهی بود هنگامی که مردم در روز قیامت جمع شوند .<sup>3</sup>

: زیارت اربعین و رفتن صحابه بزرگوار جابر بن عبدالله انصاری – رضوان الله تعالی علیه –

به همراه مفسر قرآن عطیه عوفی برای زیارت قبر حضرت ابی عبدالله الحسین ( )

تا جایی که این زیارت همه نیرنگ های تبلیغاتی یزیدبن معاویه را کنار زد که بر ضد سیدالشهدا تدوین کرده بود حتی در مرکز حکومتش یعنی شام . و به همین سبب اربعین از ایام الله شد که اهل ایمان در آن روز، زیر گنبد سیدالشهدا ( ) گرد می آیند و مصائب جانسوز حضرت را بازگو می کنند و بر حسین ( ) و خاندانش و یاران نیکوکارش درود می فرستند و گروه ستمگر بنی امیه را نفرین می کنند . و اربعین از سنت هایی شد که هویت شیعه را نشان می دهد ، پس این سنت را اسلام بنیان نهاده بود هنگامی که خواست به زیارت مزار اولیاء و شهیدان اهتمام داشته باشند ، و همانا اولیای دین آن را زنده نگه می داشتند تا جایی که قبرهای مشخص پیامبران و اولیاء و

شهیدان و نیکوکاران را زیارت می کردند .

### زیارت اربعین

این زیارت از نشانه های مومن است ( و منظور از آن شیعه ی مومن دوازده امامی می باشد )  
حدیثی از امام عسکری ( ) آمده است که حضرت فرمود : پنج چیز از نشانه های انسان با ایمان  
:

پنجاه و یک رکعت نماز خواندن ، زیارت اربعین ، انگشتر در دست راست داشتن ، پیشانی را بر  
خاک گذاشتن ، بسم الله الرحمن الرحيم را بلند گفتن .

این نکته ای است که حضرت از این صحابه گرانقدر رضوان الله تعالی یاد کرد تأثیری فراوان در  
زنده نگه داشتن دین پیامبر محمد ( ) و خاندان او دارد که دارای نقشی بزرگ در رونق نهضت  
مبارک حسینی و ریشه دار شدن آن در طول دوره ها داشته است . و ممکن است این صحابه  
خواست که همه ی دسیسه های بنی امیه و گزارشات کینه توزانه آن ها را کنار بزند . چنان که او  
با زیارت خویش عقاید فاسدی را باطل ساخت که به وسیله بنی امیه در افکار مسلمانان و به ویژه  
اهالی شام رواج داده بودند زیرا جابر بن عبدالله انصاری و عطیه العوفی دو الگوی مشهور نزد

### شخصیت جابر

او پسر عبدالله انصاری فرزند عمرو بن حزام مدنی و از اعراب خزرجی بود و در غزوه بدر به  
شهادت رسید و در هجده غزوه همراه پیامبر ( ) . او از یاران پیامبر خدا ( )  
برگزیده ترین یاران امیرالمومنین ( ) و از یاران امام حسن ( ) و امام حسین ( )  
( ) بود و محبت و دوستی ویژه ای به اهل بیت ( )

بیان درجه دوستی او آن چه در حدیث از معاویه بن عماره از ابی زبیر مکی آمده است که گفت :  
از جابرین عبدالله پرسیدم : به من بگو علی بن ابی طالب چگونه شخصیتی بود ؟ پس ( )  
ابروهایش را بالا برد گویا دیدگانش می خواست بیرون بیفتد پس گفت : او بهترین انسان ها بود .  
بدان به خدا سوگند ! ما در دوره ی پیامبر خدا ( ) منافقان را جز با کینه توزی بر علی نمی  
شناختیم .

### شخصیت عطیه

عطیه فرزند سعدبن حناده عوفی از دوستان و شیفتگان امامان بود .

- درباره دلیل نام گذاری او آمده است : سعدبن حناده در کوفه به محضر علی بن ابی طالب رسید و گفت : ای امیرالمومنین برای من پسری به دنیا آمده است ، نامی برای او انتخاب کنید .  
: این هدیه ی الهی می باشد ، پس عطیه نامیده شد .
- او مفسر قرآن و تفسیری در پنج جلد داشت .
- او از راویان خطبه فدک را از زینب ( ) از حضرت زهرا ( ) روایت کرده اند .

### حادثه غیرمنتظره

رفتن آن دو برای زیارت امام حسین ( ) در کربلا واقعه ای ناگهانی و حادثه ای غیرمنتظره بود . عموم مردم نمی دانستند که امام حسین به شهادت رسیده است ، پس زیارت جابر و عطیه از قبر امام حسین ( ) نکات زیادی را ثابت کرد مانند : روشن شدن شهادت امام ( ) ، فضیلت زیارت امام ، رسوایی بنی امیه که سرپرست کارهای مسلمانان بودند و زیارت به شکل نمایشی و حضور جسمانی که انجام شد تا مدت ها در افکار باقی ماند.

عطیه عوفی گوید : همراه جابر بن عبدالله انصاری - خداوند او را بیمارزد - به زیارت قبر حسین ( ) رفتیم ، هنگامی که وارد کربلا شدیم جابر کنار رود فرات رفت و غسل کرد ، سپس پارچه بلندی به دور خود پیچید و روی آن ، پارچه ی دیگری انداخت ، سپس بسته ای را باز کرد که در آن عطر بود پس آن را به بدنش زد ، سپس هیچ گامی بر نمی داشت مگر این که نام خداوند را می آورد تا به قبر نزدیک شد گفت :

گذاشتم ، پس بیهوش بر روی قبر افتاده اند که آب برچهره او ریختم به هوش آمد و سه مرتبه گفت : ای حسین ! : حبیبی است که به حبیب خود پاسخ نمی دهد . : پس من به تو

پاسخ می دهم و رگ های تو هرکدام به گوشه ای رفته و میان بدن و سرتو فاصله انداخته است ... : در حدیث از امام رضا ( ) : هرکه مصائب ما اهل بیت را یادآوری و گریه کند

به جنایاتی که درباره ی ما انجام داده اند در روز رستاخیز همراه ما ، در مقامات ما شریک می باشد و هر که مصائب ما را به یاد بیاورد و اشک بریزد و دیگران را بگریاند دیدگانش گریان نیست در روزی که همه چشم ها گریان است ، و هر که مجلسی برای ما برگزار کند که در آن

مجلس یاد ما زنده شود دلش نمی میرد در روزی که همه دل ها می میرد .<sup>1</sup>

زیارت هایی که پیوسته انجام می شد دارای پیام های یکپارچه و دقیق بود که در مراسم ویژه ای که ایام الله شمرده می شد انجام می گرفت و مردم به انجام آن ها پای بند بودند .

### **: آثار و نتایج بلند مدت**

فلسفه ی نهضت حسینی همان ایجاد زمینه ای مناسب برای استقرار اسلام ناب محمدی در همه ی زمین در پرتو حکومتی الهی بود که به وسیله ی ولی عصر و صاحب الامر حجه بن الحسن مهدی ( ) بنیاد گذاشته خواهد شد .

استحکام دین خدا و تحقق فلسفه آفرینش انسان بلکه آفرینش آسمان ها و زمین و آشکار ساختن حکمت الهی و هدف خداوندی از آفرینش هستی و برپایی همه اهداف ارسال پیامبران ، ظهور حضرت مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد ، و در این صورت میان ریختن آن خون های پاک و این هدف مقدس گمشده ، تناسب پیدا می شود ، زیرا هدف نهایی از دین و مقصود از فرستادن همه پیامبران و فرستادگان و راز پیامبری خاتم پیامبران ، حجت بن الحسن مهدی روحی له الفداء می باشد ، او وارث همه پیامبران است که جهان را از انصاف و عدالت پر می کند آن چنان که از ستم و بیداد پرشده است تا هیچ فتنه ای باقی نماند و همه دین از آن خداوند شود . و اثبات این حقیقت نیازمند به توضیحی مفصل و پژوهشی گسترده در آیات و احادیث و زیارت نامه ها و دعاهای شریف دارد . پیش از آغاز این کار ، سه مقدمه ضروری را بازگو می کنیم :

### **مقدمه اول : تشیع ، مکتبی فراگیر**

تشیع که همان تجسم اسلام ناب محمدی است مکتبی پیشرفته می باشد ، و در حقیقت همه باورهایش با یکدیگر کاملاً در ارتباط و از یکدیگر جدا نیستند . پس اعتقادات تشیع از اصول اخلاقی آن جدا نیست چنان که از تاریخ و روش های عقیدتی امامان خود ( ) .

پس هر که می خواهد تاریخ امامان شیعه ( ) و موضعگیری های آن ها را در برابر ستمگران معاصر خودشان بشناسد باید نخست اندیشه شیعی را به دقت بخواند و در پرتو آن به تاریخ شیعه روی بیاورد و آن چه را می خواهد پیدا کند .

و اما اگر پژوهشگر انگشت خود را بریک بخش از عقاید شیعی بگذارد و تنها به آن گوشه متمرکز شود بدون اینکه به زوایای دیگری که با آن در ارتباط هستند توجه کند ، طبیعی است که از مسیر واقعی دور می افتد و این انحراف به سقوط در اشتباهات بزرگ دیگری منتهی خواهد شد ، و در



آینده نمی تواند از آن رهایی پیدا کند و وضعیت او ؛ همانند کسی می شود که به برخی از آیه های قرآن ایمان می آورد و برخی دیگر از آیه ها را نمی پذیرد. و معلوم است که چنین انسانی از مسیر واقعی منحرف شده و در تاریکی هایی می افتد که از آن رهایی ندارد .

### **مقدمه دوم : مهدی ( )**

پوشیده نیست هر که اندیشه های شیعی را مطالعه کند – هر چند به طور مختصر باشد می داند که اعتقاد به مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف از مهم ترین و آشکارترین باورهای آن ها می باشد و این که دولت مبارك حضرت ، همان علت پایانی و هدف نهایی است که همه دوستان اهل بیت ( ) چشم انتظار آن هستند . خدایا ! ما به آن دولت با برکتی اشتیاق داریم که در آن اسلام و مسلمانان گرامی می شوند و در آن نفاق و منافقان خوار می شوند و در آن دولت ها را از کسانی قرار بده که به بندگی تو دعوت و به راه تو هدایت می کنند و در آن حکومت به ما ، شرافت دنیا و آخرت را ببخش .»

طبیعی است که پژوهشگر اگر آن نتیجه را فراموش کند یا از آن غافل شود به انحراف فکری گرفتار و از صراط مستقیم بیرون خواهد رفت .

### **مقدمه سوم :**

امام حجت بن الحسن دولتی بنیان خواهد گذاشت که در آن حقیقت دین و باطن شریعت سرور پیامبران با یکدیگر مطابق خواهد شد به گونه ای که عدالت واقعی جز آن نخواهد بود . و این نکته ای است که به حکم عقل به آن دست می یابیم ، زیرا درباره ی تعریف عدالت گفته می شود، عدالت بخشیدن هر حقی به صاحب حق می باشد و حقیقت آن ظاهری نمی گردد مگر هنگامی که حاکم با بینش ملکوتی و باطنی بر مردم نظارت و با آن ها دادوستدهای پنهانی داشته باشد بدون این که بر شهود و دلایل ظاهری تکیه داشته باشد زیرا در این صورت دلایل احکامی ظاهری و غیرواقعی خواهند بود ، پس چه بسا ستمگری که حق دیگران را به زور گرفته و با نیرنگ به سود خودگواهی گرفته است .

### **موسی و بنده شایسته**

شاید یادآوری آنچه میان موسی و بنده شایسته ( ) در قرآن کریم آمده است برای بیان نمونه ای از عدالت واقعی مفید باشد که مقدمه ای خواهد بود برای آن چه در سرتاسر جهان برپا خواهد

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی از پیامبر خدا ( ) روایتی آمده است<sup>1</sup> که خلاصه آن چنین هست :  
هنگامی که خداوند با موسی سخن گفت و الواح تورات را بر او فرو فرستاد خداوند خواست که  
برای موسی سطح علم خودش را بازگو سازد پس به جبرئیل وحی فرستاد که به موسی خبر بده که  
در فلان جا مردی داناتر از تو هست . پس نزد او برو و از او آموزش بگیر! هنگامی که موسی  
. موسی به دوستش گفت :

برنخواهم داشت تا به مجمع البحرین برسم یا سالها در جستجوی او سپری کنم<sup>1</sup> پس يك ماهي نمك  
زده به عنوان توشه برداشته و همراه وصی خودش یوشع حرکت کردند تا به آن مجمع البحرین  
رسیدند:<sup>2</sup>

مردی را دیدند که به پشت خوابیده است ، او را نشناختند . وصی موسی ، ماهی را بیرون آورد و  
با آب شست و بر روی سنگی بزرگ گذاشت و به حرکت خود ادامه دادند .

ماهی را بردارند پس آن ماهی راه دریا را در پیش گرفت و رفت .<sup>3</sup> ( ) و همراهش یوشع  
. هنگامی که از آن مکان گذشتند موسی به دوستش گفت : خوراك چاشت ما را بیاور که در  
این سفر رنج فراوانی کشیدیم .<sup>4</sup> وصی او یادآوری کرد : آیا دیدی هنگامی که در کنار صخره  
جای گرفتیم من فراموش کرده و ماهی را جا گذاشتم و شیطان از یادم برد و شگفت انگیز آن که  
ماهی راه دریا را در پیش گرفت .<sup>5</sup>

: آن مردی که در کنار صخره دیدیم همان است که می خواستیم و از همان راهی که

.<sup>6</sup> در آن جا بنده ای از بندگان ما را یافتند که به او رحمتی از سوی خودمان

( ) به او بخشیده بودیم<sup>7</sup>

تا از نماز فراغت یافت. . موسی به او گفت : آیا اگر از تو پیروی کنم

از دانش خود به من یاد می دهی . :

پس آن مرد سه کار انجام داد که موسی نتوانست ساکت بماند با وجود این که قول داده بود اگر  
خداوند بخواهد اعتراضی نمی کند و آمادگی برای کارهای خضر را داشت . آن کارها عبارت

:

( : موسی در این باره صبر نکرد بلکه اعتراض نمود و گفت :

تا سرنشین های کشتی را غرق کنی . کار بسیار زشتی انجام دادی .<sup>1</sup>  
( کشتن پسر بچه : که باز هم موسی اعتراض کرد و گفت : آیا انسان بی گناهی را کشتی . همانا

2 .

( ساختن دیواری که در حال خرابی بود . اگر می خواستی به سبب آن پاداشی

3 .

موسی دیگر نتوانست جلوی خویش را بگیرد و برای سومین نوبت اعتراض کرد و در این هنگام :

اکنون هنگام جدایی من و تو می باشد .<sup>4</sup> و از سبب آن کارها پرده برداشت و برای او آشکار ساخت که همه کارهایش بر اساس موازین شرعی و احکام الهی می باشد .

شایان ذکر است که در حوادث سه گانه از جنبه های گوناگون، پراکندگی و اختلاف هست از آن جمله زمان می باشد پس شکستن کشتی به سبب این بود که فرمانروا هر کشتی سالمی را به زور تصرف می کرد، و کشتن پسر بچه برای این بود که در آینده ، پدرش را می خواست آزار بدهد ( ) و ساختن دیوار به سبب بودن گنجی در زیر آن بود که در آینده (به کودکان یتیم ) می رسید و خضر از آن چه در آن جا بود خبر داشت .

پس ولی عصر عجل الله تعالی فرجه همانند همراه موسی با کارها ، رفتاری بر اساس اسرار پنهانی خواهد داشت ، هر که دارای ارتباط روحی با حضرت نداشته باشد نمی تواند با ایشان پیوند و انس برقرار کند و انسان به آن درجه نمی رسد مگر هنگامیکه در آن مرحله پیرامون برخی کارهای حضرت که فراتر از موسی ( ) است اختیار خود را از دست ندهد باید صبر کند به آن چه ولی بزرگ خداوند از کشتار و ویرانی و ... انجام می دهد و برخی از فرزندان قاتلین حسین ( ) را خواهد کشت چنان که شرح آن مفصل خواهد آمد .

### نقش زیارت نامه ها و ادعیه

علاوه بر قرآن کریم و احادیث شریف و ادعیه ، در نزد ما مجموعه ای بزرگ از زیارت نامه های عمومی و یا خاصی برای هر امامی وجود دارد ، بسیاری از جنبه های پیچیده ای که در زندگی امامان ما نیامده است را می توان از آن ها بفهمیم .

( رسیدن به ابعاد پنهانی نهضت عاشورا

برخی زیارت نامه های سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین ( ) مربوط به زمان خاصی نیست مانند زیارت وارث یا مربوط به زمانی مخصوص هستند مانند زیارت عاشورا . از مطالعه آن ها می شود به جنبه های پنهانی فراوانی از نهضت مبارک عاشورا برسیم . با دانستن این نکته که تاریخ نویسان در سال 60 هجری در کربلا از ایمان آورندگان به اهل بیت ( ) نبودند بلکه گروهی از پیروان خلیفه یزیدبن معاویه بودند که همراه لشکر آمدند تا بنویسند آن چه را که برای کشتن ( به ) خوارج و غارت دارایی آن ها آزاد گذاشته بودند ! و به اهداف پست خود برسند .

طبیعی است آنها نمی خواستند حقایق را به عمد بنویسند بلکه هدف آن ها خشنودی یزید ستمگر

### ( اندیشه کردن در آنچه از معصومین صادر شده است

در همین زمینه ضروری و لازم می باشد که بیندیشیم در هرچه از معصومین ( ) آمده است نه تنها آن چه به صراحت آمده بلکه حتی اگر اشاره ای در میان زیارت نامه های گوناگون به آن شده . یعنی در هر کلمه ای باید دقت و موشکافی شود حتی اگر نقطه ای بر روی حروف باشد همانند دقتی که از فهم قرآن کریم به کار می بریم .

سزاوار است در همانند این رویدادهای بزرگی که از آن سیدالشهداء و فرزند پیامبر خدا ( ) سرور جوانان بهشت ابی عبدالله الحسین ( ) است دقت کنیم که ما با همه وجود خویش با آن زندگی کرده و سبب استواری مذهب حق ما می باشد .

( ) زیارت نامه های فراوانی برای سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین ( ) روایت شده که در بردارنده مفاهیم اعتقادی ، اخلاقی ، سیاسی و غیره می باشد و این زیارت نامه ها را می توان در مرحله نخست به دو دسته تقسیم کرد :

– زیارت نامه های عمومی

– زیارت نامه هایی که ویژه زمان های معین هستند .

### مفاهیم موجود در زیارت نامه های حسینی ( )

1- مفاهیم اعتقادی : سلام بر تو ای جانشین برگزیده خدا ، آدم ؛ درود بر تو ای وارث نوح ، پیامبر خدا ... ! گواهی می دهم که تو نوری در میان صلب های سربلند و در رحم های پاک بودی که جاهلیت با ناپاکی هایش تو را آلوده نساخت و از لباس های تیره و

تارش بر تو نپوشانید و گواهی می‌دهم که تو از ستون‌های دین و پایه‌های مردان مومن هستی و گواهی می‌دهم که تو امام بسیار نیکوکار، پرهیزگار، پسندیده، پاکدامن، راهنما و ره‌یافته هستی و گواهی می‌دهم که امامان از نسل تو مفهوم پرهیزکاری و پرچم‌های هدایت و دستگیره‌های محکم و حجت آشکار بر مردم جهان هستند و خداوند و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان خداوند را گواه می‌گیرم که به شما و به بازگشت شما دستورات دینم و سرانجام کارم یقین دارم و دلم با دل شما سازگار و کار من از کار شما پیروی می‌کند.<sup>1</sup>

## 2- مفاهیم اخلاقی

خدایا! قرار بده آن‌چه را با زبان‌چه می‌گویم و حقیقت آن در دل من و دینش در رفتار من است. خدایا! مرا از گروهی قرار بده که با حسین ( ) ثابت قدم هستند و نام مرا در گروه آن‌هایی بنویس که همراه او به شهادت رسیدند.<sup>2</sup>

( مفاهیم سیاسی

... خداوند لعنت کند گروهی که تو را به شهادت رساندند و خداوند مردمی را لعنت کند که تو را خوار ساختند و خداوند مردمی را لعنت کند که تو را تنها گذاشتند. خدایا! من به ولایت آن‌هایی گواهی می‌دهم که تو و پیامبرت که آن‌ها را دوست دارید و گواهی می‌دهم بیزار هستم از آن‌هایی که تو و پیامبرت از آن‌ها بیزار هستید. خدایا لعنت کن آن‌هایی که پیامبرت را دروغگو خواندند و خانه‌ی کعبه‌ات را ویران ساختند و کتاب تو را تحریف ساختند و خون اهل بیت پیامبرت را بر زمین ریختند و در قلمرو تو فساد کردند و بندگان را خوار نمودند.<sup>3</sup>

(

در زیارت‌نامه‌ها مفهوم مهمی است که میان بسیاری از آنها مشترک می‌باشد و آن عبارت است: خدا و پسر خون خدا و تنهایی که انتقام کشتگان شدی. در زیارت عید فطر و قربان و عرفه و سلام بر تو ای تنها مانده خدا که :

در آسمان‌ها و زمین انتقام کشتگان خودت شدی. و در زیارت عاشورا آمده است: خواهیم که مقام تو را گرامی داشته و مرا به سبب آن گرامی داشته است که همراه با امامی پیرومند از اهل بیت محمد ( ) به دنبال گرفتن خون بهای تو باشم.... و می‌خواهم که مرا به مقام پسندیده‌ای برساند که شما در نزد خداوند داری و می‌خواهم که توفیق دهد تا همراه با امامی

از شما که هدایتگر، ظاهر و سخنگو است خونخواه شما باشیم .

از میان این زیارت نامه ها می توانیم به این نکاتی که می آید برسیم :

( مفهوم خونخواهی پس از این که میان جاهلیت رواج داشت در اسلام رنگی مقدس به خود گرفت زیرا خداوند سبحان و متعال آن را به خود افزوده است ) ( )

( حسین علیه السلام همان ثارالله می باشد چنان که امیرالمومنین ( ) نیز ثارالله بود ولی خون ( ) در فرزندش حسین ( ) جلوه یافت و حسین ثارالله و پسر ثارالله شد .

( سید الشهداء ) ( ) . فیروز آبادی گوید : موتور آن می باشد که کشته شده و خونباهش داده نشده است .

( با توجه به تعبیرهای سه گانه ثارالله ، ثارک ( خونبهای تو ) ( خونبهای من ) شود که خونبهای خدا همان خونبهای خدا و همان خونبهای پیروان و ادامه دهندگان سیدالشهداء ( ) است و تفاوتی میان آن نمی باشد زیرا خونبهای الهی در حسین ( ) در مومنینی جلوه گر گردید که در شخصیت امام ( ) .

( درخواست خونبهای حسین ( ) از بهترین نعمت های خداوند است که خداوند به سبب حسین ( ) به انسان ها کرامت بخشید و از خدا می خواهد به مقام محمد (پسندیده) برسد که امام حسین ( ) به او رسیده است و این مقام ، همان مقام پیامبر اکرم ( ) هست که خداوند متعال قرآن به آن اشاره کرده است : و بخشی از شب را به خواندن نماز نافله پردازد . امید است که پروردگارت تو را به مقام محمدی بساند .<sup>1</sup>

( آن که خونخواهی می کند امام مهدی عجل الله فرجه الشریف است که از فرزندان حسین و امام پیروزمند از اهل بیت می باشد .

و در گفتار خداوند متعال به آن اشاره شده است . و هر که انسانی را بی گناه بکشد به سرپرست او تسلط بر قاتل را دادیم پس در انتقام از قاتل زیاده روی نکند که از سوی ما پیروز خواهد بود .<sup>2</sup>

از امامان اهل بیت ( ) احادیثی در تفسیر این آیه مبارکه آمده است . از آن جمله در بحار الانوار به نقل از تفسیر عیاشی چنین هست :

( ) درباره ی آیه : هر که انسان بی گناهی را بکشد به سرپرست او تسلط بر قاتل را

دادیم پس در انتقام از قاتل زیاده روی نکند که او از سوی ما پیروز خواهد بود پرسیدند .  
 : او حسین بن علی ( ) می باشد که مظلومانه به شهادت می رسد و ما و حضرت قائم از  
 ما ، سرپرست او هستیم . هنگامی که قائم به خونخواهی امام حسین ( ) برمی خیزد به کشتار می  
 پردازد تا این که گفته می شود : او در کشتار زیاده روی می کند .  
 و نیز فرمود : مقتول ، حسین و ولی او قائم و زیاده روی در کشتار این است که جز قاتل او را هم  
 می کشد زیرا او پیروز می باشد . پس آدم از دنیا رحلت نمی کند تا مردی از خاندان پیامبر خدا  
 ( ) را به جای خود می نشاند که زمین را از انصاف و دادگری پر می کند چنان که از ستم و  
 بیداد پر شده است .<sup>1</sup> مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی از علی بن محمد از صالح بن ابی حماد  
 از حجال از یک تن از یاران امام آورده است که از امام صادق ( ) درباره ی گفتار خداوند  
 : هر که انسان بی گناهی را بکشد به سرپرست او تسلط بر قاتل را دادیم .

قاتل زیاده روی نکند که او از سوی ما پیروز خواهد بود . : آیه درباره ی حسین  
 ( ) نازل شده است ، اگر همه بدکرداران زمین به سبب آن کشته شوند زیاده روی نخواهد بود .<sup>2</sup>  
 علامه مجلسی ( ) گوید : احتمال می رود معنای اسراف از جهت زیادی نباشد ، پس اگر همه  
 مردم جهان در ریختن خون او یا رضایت به آن شریک باشند کشتن آنها اسراف نخواهد بود و زیاده  
 روی هنگامی می باشد که کشته می شود کسی که چون امام نباشد و نهی از آن شده است .

### **فعل نفي نه فعل نهی**

می گویم : از این روایت ها معلوم می گردد امامان ما ( ) این آیه را با قرائت مخصوص به  
 خودشان می خواندند و به شکل فعل نفي می خواندند (فلایسرف) نه به شکل فعل نهی (فلایسرف)  
 و مرحوم علامه مجلسی به این نکته اشاره کرده است هنگامی که می گوید : درباره ی آن آیه  
 اشاره شده است که آن ها در قرائت خودشان فلایسرف می خوانده اند .  
 مخفی نماند که میان این دو معنا ، تفاوت زیادی هست و یادآوری می کنیم قاریانی که قرائت  
 هایشان در بسیاری از آیات با یکدیگر تفاوت دارد در نزد شیعه و سنی وجود دارند و این هرگز به  
 مفهوم تحریف قرآن نمی باشد . پس به این نکته توجه داشته باش !

در حدیث دیگری از سلام بن مستنیر از امام باقر ( ) درباره ی آیه « هر که انسان بی گناهی را  
 بکشد به سرپرست او تسلط بر قاتل را دادیم . پس در انتقام از قاتل زیاده روی نکند که او از سوی

ما پیروز خواهد بود.» : او حسین بن علی ( ) است که مظلومانه کشته شد و ما ، ولی خون او و قیام کننده از ما می باشد . هرگاه به خونخواهی حسین ( ) قیام کند به کشتار می پردازد تا این که گفته می شود در کشتار زیاده روی می کند . و نیز فرمود : مقتول ، حسین و ولی او قائم و زیاده روی از کشتار آن می باشد که بجز قاتل امام را نیز به قتل می رساند و او پیروز است دنیا به پایان نمی رسد تا این که مردی از خاندان پیامبر خدا ( ) برمی خیزد و زمین را از انصاف و عدالت پر می کند چنان که از ستم و بیداد پرشده است .<sup>1</sup>

( ) از برخی زیارت نامه ها استفاده می شود که خون سیدالشهداء در بهشت است و سایه های ( ) به لرزه در می آید و همه موجودات بدون استثناء برای او گریه می کنند چنان که احادیث متواتر فراوانی از شیعه و سنی بر آن دلالت دارد پس حسین ( ) کشته شده در راه خدا و پسر کشته شده در راه خداوند می باشد .

### خون امام شهید

احادیثی در کتب روایتی آمده است که خون حسین به آسمان رفت و قطره ای از آن برنگشت . آن جمله است ..... سپس امام تیر را گرفت و از پشت خود بیرون آورد ، پس مثل این که خون از ناودان بیرون می ریخت ، امام دست خویش را بر جراحت گذاشت ، هنگامی که پرشد به سوی ناودان بیرون می ریخت .<sup>1</sup>

و گروهی از احادیث این را درباره کودک شیرخوار حضرت آورده اند . شیخ مفید گوید : او را می بوسید در حالی که می گفت : وای بر این مردم را هنگامی که جد تو محمد مصطفی دشمن آن ها باشد . و کودک در آغوش حضرت بود هنگامی که حرمله بن کاهل اسدی تیر پرتاب کرد . پس تیر با آن تیر در آغوش حسین به شهادت رسید . گرفت تا مشت مبارکش از آن پر شد ، سپس به سوی آسمان پرتاب کرد .<sup>2</sup>

( ) : از آن خون ، قطره ای به زمین برنگشت .<sup>3</sup>

برای حسین ( ) نقشی اساسی در پیروزی های بزرگی است که به نتیجه خواهد رسید . جلوه های حسینی در انقلاب مهدویت جنبه های گوناگونی دارد . مهم ترین آن جنبه های تبلیغی و فکری همان شعار لشکر حضرت حجت است که یا لثارات الحسین (ای خونخواهان حسین) .



## یا لثارات الحسین

این موضوع را دهها حدیث شریف و نیز آیات قرآنی تأیید می‌کند چنان که خواهد آمد و به دو حدیث بسنده می‌کنیم :

( در حدیث مشهوری از ریان بن شیبب از امام رضا ( ) : چهل هزار فرشته برای یاری امام به زمین پایین آمدند و زمانی حضرت را یافتند که شهید شده بود . پس آن ها پریشان حال و خاک آلود کنار مزار امام هستند تا قائم قیام کند پس از یاران حضرت و شعارشان یا لثارات الحسین می‌باشد .<sup>1</sup> پس آن ها به پیروزی لشکر حضرت حجت و یاری او می‌پردازند که همان در خواست خونبهای حسین است زیار او ثارالله و پسر ثارالله و ترالموتور می‌باشد چنان چه در زیارت نامه های زیادی آمده است :<sup>2</sup>

( در حدیث دیگری درباره ابی عبدالله ( ) ، یاران حضرت حجت ( ) توصیف شده است تا آن جا که می‌گوید : آن ها مردانی هستند که هنگام شب نمی‌خوابند و در نماز صدایشان همچون زنبور عسل در کندو انعکاس دارد ، شب را بر روی پاها به نماز خواندن می‌گذرانند و بامداد بر پشت اسب‌ها می‌نشینند، زاهدان شب و شیران روز هستند ، آن ها از امام بیش تر پیروی می‌کنند تا يك کنیز از اربابش . همچون چراغ هایی هستند که گویا در دل‌هایشان خدا آویزان است و به سبب ترس از خداوند به دیگران مهربان هستند ، شهادت را می‌خواهند و دوست دارند که در راه خدا شهید شوند . شعارشان یا لثارات الحسین است ، هرگاه حرکت کنند ، وحشت از سر راه آن ها کنار می‌رود و به سوی امام حرکت می‌کنند و به وسیله آن ها خداوند ، امام برحق را پیروز می‌گرداند .<sup>3</sup>

پوشیده نماید فرمایش امام ( ) درباره آنها که یاران امام در نمازشان چون زنبور عسل صدا می‌کنند صفت یاران امام حسین در شب عاشورا بود .

خداوند متعال در توصیف یاران پیامبر ( ) : دل های کافران را هراسان خواهیم کرد زیرا برای خداوند شريك قرار دادند چیزی را که اصلاً برای آن خداوند دلیل نفرستاده بود . جایگاه آن ها دوزخ است و سرای ستمکاران بد جایگاهی است .<sup>1</sup>

در حدیثی پیرامون امام حسین ( ) : ترس از برابر آنها می‌رود و فرزندان سعد سقاء در کوفه خواستار خون پدرانشان می‌شوند و آن ها فرزندان گناهکار هستند تا جایی که لشکر

حسین ( ) بر آن‌ها هجوم می‌برد و بر آن‌ها پیشی می‌گیرند گویی آنها اسب مسابقه می‌باشند که به هم ریخته و خاک آلود هستند ، آن‌ها گریان و زخمی هستند<sup>2</sup> و از این جا حضرت حسین کشته . پس این گریه دارای نقشی اساسی و حیات بخش در آن نهضت مبارک هستند .

### روز قیام قائم ( )

این کار نیز حتمی است که ارتباطی مستحکم از جنبه زمانی میان این دو انقلاب وجود دارد . حدیث آمده است که ابوبصیر گفت : ( ) : ( ) در روز عاشورا که شبیه باشد قیام می‌کند روزی که در آن حسین ( ) به شهادت رسید .<sup>3</sup>

در حدیث دیگری که تفسیر کننده روایت فوق است ابوبصیر به نقل از امام صادق ( ) : قائم صلوات الله علیه قیام خویش را در شب بیست و سوم به نام حضرت اعلام و روز عاشورا که حسین بن علی ( ) شهید شد آغاز می‌کند .<sup>4</sup> پس میان صدازدن به نام حضرت و آغاز قیام از نظر زمانی ناسازگاری دیده نمی‌شود چه بسا صدازدن برای قیام در روز جمعه باشد .

### کشتن فرزندان قاتلین حسین

مرحوم علامه مجلسی فصلی جداگانه تحت عنوان : علی که به سبب آن خداوند عذاب را درباره قاتلین امام صلوات اله علیه به تاخیر می‌اندازد و علی که به سبب آن فرزندان کشتندگان امام ( ) ( ) از آن‌ها انتقام می‌گیرد آورده است . پس در آن جا روایت های فراوانی در تاکید این موضوع می‌باشد . و ما پیش از این آنچه را بر این موضوع دلالت می‌کند از آیه ی اسراف در قتل آوردیم و برای کامل کردن فایده آن به احادیثی دیگر اشاره می‌کنیم :

- هروی گفت : به امام ابوالحسن الرضا ( ) : ای پسر پیامبر خدا ! چه می‌گویی درباره حدیثی که از امام صادق ( ) روایت شده است که هرگاه قائم قیام کند فرزندان کشتندگان حسین ( ) را به سزای کارپدرانشان می‌کشد ؟ حضرت ( ) : چنین است .

: پس معنای گفتار خداوند عزوجل چیست که می‌فرماید : و فردی به گناه دیگری مجازات : خداوند در همه ی سخنان خود راست گفته است ولی فرزندان کشتندگان حسین به کارهای پدرانشان خشنود می‌باشند و به آن افتخار می‌کنند و هرکه به کاری راضی باشد همانند آن‌هایی است که آن کار را به جا آورده اند و اگر مردی در مشرق کشته شود

و مردی در مغرب به مرگ او خشنود باشد نزد خداوند عزوجل فردی که راضی بوده شریک قاتل خواهد بود و همانا قائم ( ) آن ها را به قتل می رساند هرگاه قیام کند و به کار پدرانشان راضی

1.

### شجره ملعونه در قرآن

در این زمینه آیه های در قرآن آمده است که گفتار خداوند متعال ، آن را آشکار می سازد .  
می فرماید : و خوابی را که به تو نشان دادیم مگر برای آزمایش مردم و درختی که در قرآن لعنت شده است و ما با این آیه های بزرگ آن ها را می ترسانیم ولی آیات جز بر طغیان شدید آن ها نمی افزاید.<sup>1</sup>

در حدیث آمده است که پیامبر خدا ( ) : دوازده مرد از پیشوایان گمراهی را دیدم که از منبر من بالا و پایین می روند ، و می خواهند امت مرا به دوران پیش برگردانند .<sup>2</sup> یعنی دو تن از بنی امیه و هفت تن از فرزندان حکم و پنج تن از فرزندان ابی العاص

• علامه مجلسی رضوان الله علیه گوید : اختلافی میان هیچکس نیست که خداوند تبارک و تعالی در این آیه ، بنی امیه را اراده کرده است و از چیزهایی که در سنت و روایات به وسیله معتمدین امت نقل شده گفتار پیامبر خدا ( ) در این باره می باشد که پیامبر دید امیه بر الاغ سوار است و معاویه افسار الاغ را در دست گرفته و یزید آن را راه می برد . پیامبر فرمود : خداوند ، سوار ، هدایت کننده و راننده را لعنت کند .<sup>3</sup>

• قرطبی در تفسیر این آیه مبارکه گوید : سهل گفت : این رویا همان است که پیامبر خدا ( ) دید بنی امیه به شکل میمون از منبرش بالا و پایین می روند ، پس از این خواب ، غمگین شد و از آن لحظه نخندید تا دیده از جهان فرو بست . : این درخت ، بنی امیه

رازی در تفسیر خودش این گفته را ترجیح داده است .

جز سرکشی به آن ها افزوده نمی شود .

فیض کاشانی ( ) : جز سرکشی و طغیان شدید آن ها افزوده نمی شود گوید : این

جمله لطافتی دارد که پوشیده نیست .<sup>1</sup>

و این لطافت ، مبالغه در طغیان است ، پس آن چه بنی امیه از جنایات در کربلا انجام دادند ی

سرکشی آشکار می باشد و به همین دلیل در زیارت آمده است : و خداوند همه بنی امیه را لعنت  
2. و در زیارت دیگری گوید : خداوند همه بنی امیه را تا روز قیامت لعنت کند .3

در کتاب محیط اللغه گوید : قاطبه بر همه نسل های مردم گفته می شود .

### توجیه برای قتل فرزندان

می گویم : و اما توجیه برای قتل فرزندان قاتلین حسین ( ) به همان نفس برای توجیه قتل یا هر  
قاتل دیگری بر می گردد زیرا فلسفه قتل در يك چیز پنهان است و آن این که :

روح ناپاک آلوده ای که قاتل به آن توصیف می شود به خاطر جرات کردن به انجام قتل است و این  
تنها مخصوص به کسی نمی باشد که اقدام به کشتن می کند بلکه شامل تشویق کننده قاتل و آن که  
از قتل راضی است نیز می شود ، و از این جاست که داشتن نیت خوب جایگاه بزرگی دارد که به  
وسیله آن کارشایسته انجام می گردد و همچنین داشتن نیت بد ، سبب انجام کار ناپاک می شود ، پس  
بر امام واجب است که بکشد همه آن هایی را که به کشتار راضی هستند چنان که آن را امام ( )  
در حدیث گذشته بیان کرد جایی که فرمود :و اگر مردی در مشرق کشته شود و مردی در مغرب  
از مرگ او خشنود باشد پس آن که راضی بوده در نزد خداوند شریک قاتل محسوب می گردد .  
هرچند وضعیت امروز اجازه اجرای این حکم را نمی دهد زیرا معصوم ما حکومت ظاهری ندارد  
و همچنین در دوران معصومین ( ) نیز چنین اقتداری نبود تا توانایی داشته باشند انجام دهند آن  
چه را که می خواهند .

این کار برپایه پشتگرمی به ظواهر و اعتماد به گواهان و دلایل آشکار و اجرای حدود در  
چهارچوب مخصوص می باشد و تنها درباره ی آنهايي است که در کار کشتار دخالت دارند ولي  
( ) . و چنان که گفتیم حضرت با مسائل ، برخورداري خضرگونه

( ) ولي به شکلي گسترده تر و در محدوده اي مفصل تر انجام می شود .

گفتیم که نفرین کردن شامل همه ی آن هایی می شود که به بنی امیه وابسته هستند خواه کوچک یا  
بزرگ باشند و هرگز استثنایی ندارد . و این موضوع قطعی و دارای اهمیت است و تا جایی است  
که ضررهای احتمالی را می پوشانند و این با بیرون رفتن گروهی از میان بنی امیه منافات ندارد  
چنانچه درباره ی سعدالخير آمده است که ابوحمزه گوید : سعدبن عبدالملك به محضر حضرت آمد

( ) او را سعدالخير مي ناميد و او فرزند عبدالعزيز بن مروان بود . در اين ميان همانند زن ها شروع به گريه كرد . ( ) به او فرمود : ! چرا گريه مي كني ؟ : چرا گريه نكنم در حالي كه من از شجره ي ملعونه‌اي هستم كه در قرآن آمده است . : تو از آن ها نيستي . تو اموي ولي از ما اهل بيت هستي . آيا گفتار خداوند عزوجل را نشنيده اي كه از قول ابراهيم ( ) گويد : پس هر كه از من پيروي كند او از من مي

1.

و اين روش بيرون شدن در بسياري از احاديث به كار گرفته شده است و فقهاء در علم اصول به طور مفصل تحت عنوان حكومت و ورود به آن سخن گفته اند و نمونه اي از اين نوع خروج ، «شك كثيرالشك پذيرفته نيست» . اين حديث ، خارج مي كند شك كردن كسي را كه زياد شك مي كند . و قاعده عمومي است براي شك كردن در ساير احاديث مانند بطلان نماز هنگام شك در نماز صبح ولي حتي اگر نماز دو ركعتي باشد براي كثيرالشك باطل كننده نماز نيست . و يا قانون ميان پدر و فرزند ربا وجود ندارد «كه اين نوع از ربا با وجود اين كه ربا هست آن را از قانون كلي بيرون مي برد كه در قرآن كريم پيرامون آن آمده است : »  
1. « پس اين خروج جزء ايتشايء حساب نمي شود

فكر كن تا بفهمي !

### امام خميني و تقويت پيوند ميان انقلاب حسيني و مهدي

( ) حسيني در طول تاريخ داراي تاثير بزرگي در استحکام انقلاب امام حسين ( ) داشته است و ستمگران و از آن جمه رضاخان به وسایل گوناگون كوشيده اند تا آن را كنار . ولي چگونه امكان پذير مي باشد كسي بتواند نوري را خاموش كند كه چراغ هدايت و نوري است كه هرگز خاموش نمي شود !

همه ي اسرار ديني ، نقش بزرگي در حفظ مراسم جاودان ديني در طول قرن ها و سال ها داشته اند جز اين كه امام خميني قدس سره بيش ترين نقش را در اين زمينه براي مردم داشت زيرا حكومت او ، در دل هاي مردم جا داشت و به سبب امامت و رهبري كه داشت مردم به هدايتگري او هدايت شده و دستورات ايشان را گوش مي دادند . آن مرحوم رضوان الله تعالي عليه مردم را به حمايت و گرامي داشت و برگزاري مجالس سيدالشهداء به روش سنتي دعوت مي كرد و تاكيد

می فرمود که مهم ترین کار برای حفظ اسلام اصیل همان برگزاری مجالس برای سید شهیدان می

### اهتمام امام به سیره حسینی

#### گریه بر مصائب امام حسین ( )

هنگامی که فرزند امام آیه الله سید مصطفی خمینی - رضوان الله تعالی علیه به شهادت رسید ، به منزل امام قدس الله نفسه رفتیم . ر امام نشستم و به چهره نورانی ایشان نگاه می کردم . وجود این که فقیهی دانشمند و پسری نیکوکار را از دست داده بود هرگز اشکی بر دیدگانش جای نداشت و دیدم جناب سید احمد خمینی رضوان الله تعالی علیه که در آن روزها پس از چند سال به نجف اشرف برای دیدار پدرش آمده بود به چهره پدرش نگاه می کرد و اختیار خود را از دست داده و با صدای بلند گریه می کرد و مراجع تقلید برای دادن تسلیت می آمدند و از آن جمله حضرت آیه الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی بود . پس امام به آن ها خوش آمد می گفت تا این که خطیب خراسانی آمد و کنار امام نشست و شروع به خواندن مصیبت های کربلا کرد و شاید به مصیبت علی اکبر که رسید اما شروع به گریه کرد تا جایی که اشک ها بر چهره مبارکش ریخت پس حسین کشته اشک است و هیچ مومنی نام حضرت را به یاد نمی آورد مگر این که اشک به دیدگانش بیاید .

#### مقید بودن به زیارت

امام راحل در همه شب ها به زیارت ضریح امام امیرالمومنین ( ) می رفت و در دوران تبعید آن را ترک نکرد و به خواندن زیارت جامعه کبیره می پرداخت . امام به سویی ضریح می رفت در حالی که کتاب دعا باز می کرده و به شکل سنتی زیارت می خواند و در روزهایی که زیارت سیدالشهداء مستحب بود و نیز در هر شب جمعه به زیارت امام حسین ( ) نیز مجلس هفتگی برای سیدالشهداء ابی عبدالله الحسین ( ) .

#### سینه زدن

یکی از فرماندهان انقلاب گفت : به نیروهای عراقی یورش بردیم ولی به همه ی اهدافی که ترسیم کرده بودیم نرسیدیم ؛ پس به دیدار رهبر امام خمینی رضوان الله تعالی علیه رفتیم و برای ایشان نقشه ها و نتایج را توضیح دادیم . شما در شب حمله به دشمن ، مصیبت سیدالشهداء

را خواندید ولی چرا سینه نزدی؟

پس در نوبت های دیگر به سینه های خودتان بزنی تا برای هجوم به دشمنان آماده شوید .

نخستین شعله ی که امام راحل شعله ور کرد در روز عاشورا بود هنگامی که امام سخنانی شدیدی بر ضد حکومت شاه معدوم انجام داد ، و در آن سخنانی تاکید فرمود که شاه تسلیم نقشه های صهیونیستی شده است که هدفش ، تحقیر قرآن کریم و کنارزدن مراجع دینی و اجازه دادن به اسرائیل برای چیره شدن بر اقتصاد ایران می باشد . امام ، دستگیر و به زندان قصر در زندان مردم به رهبری فرزند امام سیدمصطفی خمینی در خیابان های قم جمع شدند و به

اعتراض و راهپیمایی برای آزادی رهبر دینی خودشان پرداختند . و فردای آن روز تظاهراتی مشابه در تهران برگزار گردید، و نیروهای امنیتی به کشتار پرداختند به طوری که پانزده هزار نفر در تهران و چهارصد تن در قم به شهادت رسیدند و امام به ترکیه و سپس عراق تبعید گردید.

و راهپیمایی های تاسوعا و عاشورا نقش بزرگی در لرزاندن تخت طاغوت داشت چنان که سخنرانان حسینی در گوشه و کنار کشور تأثیری شگفت انگیز در فشرده شدن صف ها و ریختن مردم به خیابان ها و تشویق برای قیام بر ضد ستمگران داشت .

**راز پیروزی :**

مجالس عزاداری سیدالشهداء ( ) اساس زنده ماندن مکتب سید شهیدان است . و آنهایی که مردم را از برپایی مجالس عزاداری باز می دارند چیزی درباره ی این مکتب نمی دانند و نمی فهمند این مجالس است که سبب شده تا مکتب سیدالشهداء تا امروز باقی بماند و تردیدی نیست که این مجالس و سوگواری ها و عزاداری ها و مصائب سبب حفظ اسلام در طول هزار و چهارصد سال گذشته

1.

معلوم است که انقلاب حسینی تنها یک حرکت معمولی نمی باشد بلکه اعلامی رسمی برای همه گروهها است که همیشه در برابر ستمگران ایستادگی کنند . حضرت امام پیوسته می فرمود :

مجالس عزاداری اعلام جنگ با ستم و ستمگران است و پرتو آن تا ابد باید پایدار بماند و هنگامی که پیامبر خدا ( ) می فرماید : « من از حسین هستم » یعنی حسین همان فردی است که اسلام و دین را در آینده حفظ خواهد کرد و بدون شك این پرتوهایی که امام حسین ( ) و یارانش تقدیم

کردند سبب شد اسلام تا امروز باقي بماند و بر ما واجب است که از اسلام نگهداري کنيم آن گونه که شايسته است.<sup>2</sup>

و در پرتو آن چه گفتيم به اين نتيجه مي رسيم که انقلاب بزرگ خميني همان حلقه اتصال ميان دو انقلاب حسيني و مهدوي ، بلکه ايستگاهي است که در آن جا روح حسيني براي حرکت مردم در طول تاريخ تبلور يافت و احساسات مردم را برانگيخت در حالي که پرچم شهيد کربلا را با خود حمل مي کردند تا به صاحب حقيقي آن تحويل دهند که همان صاحب خون بهاي امام يعني بقيه الله و حجت او در زمينش ، مهدي امت و قائم آل محمد – بر او درود خداوند و فرشتگان و همه مردم - باشد تا هيچ فتنه اي نماند و همه دين براي خدا شود و اين تفسير کلام امام دل ها ، نايب امام مهدي است که تاکيد فرمود :

:

هر که مي خواهد مهدي باشد و در نماز جهاني که در مسجدالاقصي برگزار مي شود به حضرت مهدي اقتدا نمايد شايسته است که به خط امام حسين ( ) پاي بند باشد و به ندائي « هل من ناصر ينصرني » حضرت که آسمان ها و زمين را پر کرده است لبیک بگويد : به در حضرت که در قرباني دادن و فداکاري و شهادت و فنايي در خداوند برود تا سرنوشت مقدر فرا رسد که :  
کرده ايم تا بر مستضعفان زمين منت بگذاريم و آنها را پيشوا قرار دهيم و آن ها را وارث زمين بگردانيم و به آن ها قدرت ببخشيم و به فرعون و هامان و لشكريانشان آن چه را که بيمناک بودند نشان بدهيم.<sup>1</sup>

بلکه از فرمايشات امام راحل قدس سره فهميده مي شود هنگامي که بر اهميت پيروزي انقلاب : بيست و دوم بهمن آغاز نهضت جهاني به رهبري امام مهدي

– عجل الله تعالي فرجه مي باشد ، اين که انقلاب اسلامي همان انقلاب مبارکي است که خداوند انجام آن را وعده داده و آن را نگهداري مي کند و به همين سبب دشمن نتوانست آن را به خطر بيندازد و آن را نابود نمايد هر چند دسيسه هايي براي آن چيد ، و هر پرچمي پيش از بيست و دوم بهمن برافراشته شد ظاهراً پيروز نگرديد اگرچه پرچم حق همانند پرچم زيبدين علي و شهيد فخر و انقلاب هاي معاصر و به برپايي حق و گسترش عدالت بر روي زمين پايان مي پذيرد . آنها او را دور مي بينند و ما ، حضرت را نزديک مي بينيم . و ستايش از آن خداوندي است که پروردگار



جهانیان می باشد و درود خداوند بر محمد و خاندان پاکش باد .  
حضرت امام مردم را به برپایی مجالس تشویق کرده و می فرمود : مجالس را برگزار کنید و  
همگی بر حسین گریه کنید و بر همه مسلمانان در گوشه و کنار کشورهای اسلامی واجب است که  
مجالس عزاداری شایسته به ویژه در دو روز تاسوعا و عاشورا برگزار کنند.<sup>1</sup>

بازگویی این ستم ها حرکت و نهضت جهانی ایجاد می کند . پس این مجالس را سبک نشمارید.<sup>2</sup>  
امام می دید که جهاد اکبر ( ) و جهاد اکبر ( )

با امام حسین ( ) : مجالس یادبود سید مظلومان و پیشوای آزادگان در  
واقع مجالس پیروزی لشکریان عقل بر جهل و لشکریان عدالت بر ستم و امانت بر خیانت و  
لشکریان حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است . پس اندیشه حسینی را منتشر سازید و پرچم  
های خونین عاشورا را برافرازید که دلیلی بر فرارسیدن روز انتقام مظلوم از ظالم باشد.<sup>3</sup>  
و درباره فلسفه ی بیزاری :

این نفرین و بیزاری فریادی همیشگی بر همه دیکتاتورها و ستمگران در جهان است و باید این  
فریاد کوبنده بر ضد ستم و نابودکننده دیکتاتورها را زنده نگهداشت.<sup>4</sup>  
اکنون به این عبارت ارزشمند نگاه کن .

بقای همه مجالس و منابر و حتی محراب عبادت به وجود سیدالشهداء ( )<sup>5</sup>  
پس سیدالشهداء در این صورت همه چیز و چراغ هدایت برای امت است . هیچ خیر و برکتی از  
سوی خداوند جل و علانیست مگر این که از طریق امام ( ) باشد و این جایگاهی است که خداوند  
سبحان به امام ( ) بخشید به سبب آن که هر آن چه نزدش بود را در راه خدا قربانی کرد .  
و از ثمرات انقلاب امام حسین ( ) همین انقلاب بزرگ اسلامی است که امام خمینی قدس الله نفسه  
برضد شاه ستمگر ایران بلکه بر ضد ستمگرانی ایجاد کرد که از شاه حمایت می کردند و در راس  
آنها شیطان بزرگ آمریکا است ، پس به وجود آمدن و حفظ انقلاب اسلامی مرهون کربلا می باشد  
. امام راحل رضوان الله تعالی علیه فرمود :

«و اگر نهضت سیدالشهداء ( ) نبود نمی توانستیم به پیروزی در انقلاب خودمان برسیم .»  
و بدون تردید مجالس عزاداری از کیان انقلاب اسلامی محافظت کرد با وجود نقشه های  
استعماری که ابرقدرت ها کشیده بودند و از هر سوبه آن حمله می کردند<sup>1</sup>